

به مناسبت حصول استقلال سیاسی افغانستان

خصال و سجایای اعلیحضرت امان الله خان

چون هم میهنان گرامی ما پیرامون حصول استقلال سیاسی کشور و ماجرای مربوط بدان، زیاد نوشته و یا مینویسند، خواستم به این وسیله، گوشه‌ی از خصال و چگونگی شخصیت اعلیحضرت امان الله خان را باسناد روایات شاهدان عینی که قبلاً ثبت صفحات تاریخ افغانستان شده است، بصورت بسیار فشرده بعرض برسانم :

امان الله خان در سال 1892 میلادی در تپه‌ی زیبای پغمان چشم به جهان گشود. مادر امان الله خان که در داخل ارگ شاهی به نام " سرورسلطانیه " یاد میشد، نه تنها زن نکاحی و ملکه‌ی اول امیر حبیب الله خان بود، بلکه زن صاحب حسن و مورد علاقه‌ی زیاد امیر نیز بود و در میان سایر زنان حرم، متنفذ، مغرور، هشیار و از احاطه و نفوذ قابل ملاحظه‌ی در فضای ارگ شاهی بر خوردار بود. در مورد خصال و خصوصیت های شکلی و ذهنی اعلیحضرت امان الله خان گفته شده است که موصوف دارای قد میانه، چشمان نافذ، ابروان تیره، صورت نسبتاً مدور، زرخ کوتاه، اندام موزون و سالم با اندک لکنت زبان بود. وی همیشه بشاش و سر حال بوده با مردم از خوشرویی و لطف خاص کار می‌گرفت، لباس ساده و غالباً بالاپوش دراز و پیراهن یخن بسته‌ی مستعمل می پوشید. اعلیحضرت موصوف تنها و بدون محافظ در شهر و حتا در جا های خطرناک گشت و گذار مینمود، با دکاندار و شاگرد مدرسه و مامورین پایین رتبه و نیازمندان در کوچه و بازار و دفتر و مدرسه، مستقیماً در تماس میشد، با آنها مهربانانه داخل صحبت گردیده و حرفهای شان را دقیقاً می شنید، شراب نمی نوشید و عیاشی و زن باره گی نمی کرد، انرژی سرشار برای کار داشت و تا نیمه های شب مصروف انجام امور مملکت می بود.

گفته شده که اعلیحضرت امان الله خان در دوران طفولیت و نوجوانی، از علمای جید (افغانی - ترکی - هندی) بصورت خصوصی سبق آموخت و در مراحل جوانی شامل مدرسه ی عسکری (خاص شهزاده گان) گردید. هنوز شانزده سال بيش نداشت که ازدواج کرد، ولی چون خودش در انتخاب اولین همسر خود دخالتی نداشت، بلکه این ازدواج به اثر تجویز و تصمیم مادرش (علیاحضرت سرورسلطانیه) صورت پذیرفته بود، بنابراین، بعد از مدت کوتاهی کار به جدایی کشید. بار دوم در هجده ساله گی و آنهم در نتیجه ی تقاضا و انتخاب مادرش ازدواج نمود که همسر دومش هنگام اولین ولادت چشم از جهان فرو بست.

موصوف با در نظر داشت تجارب گذشته و آرزو هایی که در دل داشت، بار سوم در سال 1913م در بیست و یکساله گی با تصمیم و انتخاب شخص خودش همراه ثریا صبیبه ی محمود بیگ طرزی که در اوایل امارت حبیب الله خان با اعضای خانواده از دمشق به وطن برگشته بود، ازدواج نمود.

ثریا، هم زیبا و تعلیم دیده بود و هم شایسته گی های مقتضی دربار و مزایای مورد نظر شاه جوان را داشت. چنانکه موصوفه دوش به دوش همسر جوان و پُرکارش، بخصوص در بخش تنویر افکار زنان افغانستان سهم فعال گرفت.

سندی هم در میان است که امان الله خان در روز های پایانی سلطنت خویش و پس از آنکه ملکه ثریا و سایر اعضای فامیل را از کابل به قندهار فرستاد، عالیه دختر سر دار نصر الله خان را به عقد نکاح خود در آورد. همچنان گفته شده که در سالهایی که در سوئیس بسر میبرد، با یکی از زنان سوئسی نیز ازدواج نمود. یعنی اعلیحضرت امان الله خان جمعاً پنج بار ازدواج نمود.



شخصیت های مختلف اعم از دوستان و دشمنان اعلیحضرت امان الله خان، نظراتی پیرامون اخلاق، کرکتر و سایر مشخصات وی ابراز داشته اند که چند تای آنرا در اینجا نقل میکنیم:

لیون پلاداد نویسنده ی کتاب " اصلاحات و انقلاب 1929 " نظر عبدالغنی نام را که اعلیحضرت را از نزدیک میشناخته چنین مینویسد: " امان الله خان جوانی است سی ساله، تنومند و سالم با قامت متوسط، مو و چشمان سیاه، صاحب شخصیت جالب و محبوب و حاکم بر اعصاب و حرکات

خویش. شخصی است خیلی کارکن و زحمت کش، از هشت صبح تا نیم شب مصروف کار مملکت و صرف سه ساعت برای صرف غذا و موتر سواری و ادای مراسم مذهبی خویش تخصیص داده است. ذهن روشن و خالی از تعصب داشته و در امور اجتماعی و سیاسی معلومات قابل ملاحظه دارد. به افغانیت خود افتخار دارد و خود را یکی از افراد مملکت دانسته از ذکر اینکه یکی از افراد افغانستان است، ولو در محضر عام خود داری نمیکند. در مجالس رسمی پیشامد دموکراتیک داشته و باری اعلام نمود که هرگاه اکثریت نظر به این باشد که بلشویسم به خیر افغانستان است، شخصاً حاضر خواهد شد که در داخل چوکات بلشویسم برای بهبود افغانستان خدمت کند.

"

پلاداد از قول " مویس پرنو " مینویسد : " دیدن دیوار های گلی و فرسوده ی کابل، امان الله خان را خیلی متأثر ساخته و امر نمود تا دیوار های اطراف باغها را ویران سازند. خودش باغ عمومی قشنگ و دلکش در پغمان برای تفریح عوام ترتیب داد. در یکی از بازدید های مکاتب، پدرشاگردی را که به نسبت اشتراک در انقلاب ضد حکومت محبوس گردیده بود، امر رهایی از محبس را داد. "

لیون پلاداد مذکور باز هم از قول " پرنو " مینگارد : " آنچه من در یکسال 1925 در ظرف سه ساعت از امان الله خان راجع به سیاست افغانستان آموختم، بیشتر از مطالعات حیاتی من در باره ی افغانستان بود. امان الله خان مرا با حقایق آن سرزمین آشناساخت. امان الله خان پادشاهی جوان و ترقیخواه افغانستان بود. . . بخاطر دارم وقتی از کابل دیدن کردم و جویا شدم که بانی آنهمه بنا های جالب و گیرنده مانند مکاتب، فابریکه ها، موزیم، مطبعه و بنای شهر عصری و بزرگ دارالامان کی بود؟ جواب همیشه یکنواخت بود: (امان الله خان)

" جوزف کستنی " نوشته است : " امان الله خان شخصی است وطنپرست، فعال، تشنه ی آزادی مردم خویش. این پسردوم {سوم} حبیب الله خان که اکنون سی سال دارد از نعمت قوای معنوی بزرگی بر خوردار است. شخصی است شجاع و دوربین. اکنون مشغولیتی خیلی بزرگ که عبارت از اتحاد مسلمین است روی دست دارد. " (پایان)

برگزیده شده از کتاب " ظهور و سقوط اعلیحضرت امان الله خان "